

ISBN 978-9953-0-1000-4
 9 78995301 0000 >
 9789953010004
 9 78995301 0000 >
 9789953010004



ساموئل بکت
 ترجمہ سہیل سُمی



عشق اول

و دیگر نوشتہا

• • • • •
 • • • • •
 • • • • •

فهرست

۷	بکت و رنج بیان
۲۳	در بارهٔ عشق اول
۲۹	عشق اول
۶۱	فروکش ۱
۶۹	فروکش ۲
۷۳	فروکش ۳: پرنده‌ای در دوردست
۷۷	فروکش ۴
۷۹	فروکش ۵
۸۱	فروکش ۶
۸۳	فروکش ۷: بی حرکت
۸۷	فروکش ۸: برای پایانی دوباره
۹۳	پذیرش
۱۰۱	یکی از هزار
۱۰۹	تصویر
۱۱۵	یک روز غروب
۱۱۹	آن‌گونه که داستان تعریف شد
۱۲۳	صخره
۱۲۵	هیچ یک

بکت و رنج بیان

محور اصلی این نوشته داستان عشق اول است، اما در مورد آثار دیگر بکت نیز صدق خواهد کرد. موضوع مورد نظر تقابل بیان و عدم بیان - و نه بیان ناپذیری - و ارتباطشان با درد است؛ دردی که در آثار بکت حضوری فراگستر دارد و، برای مثال، در سه گانه به اوج می رسد. گفته اند که ملاحظات زندگینامه ای به کار نقد اثر ادبی نمی آید، اما این در صورتی است که این واقعیت ها را از بیرون به اثر و نقد آن تحمیل کنیم. قصد این متن تحمیل چنین ملاحظاتی به نقد نوشتار بکت نیست. چه بسا که این نوشته هم نقد نباشد، بلکه تلاشی باشد برای به دست دادن کلیدی برای خواندن بکت.

به دیالوگ زیر از نمایشنامه روزهای خوش توجه کنید:

وینی: کلمات وا می موزن (fail)، بعضی اوقات حتا کلمات هم
وا می موزن... مگه نه ویلی؟... مگه نه، ویلی، مگه کلمات هم وا
نمی موزن گاهی؟

اون وقت تا زمانی که کلمات برگردن آدم باید چه کنه؟

و شاهدی دیگر:

همیشه تلاش. همیشه شکست (fail). مهم نیست. دوباره تلاش کن. دوباره شکست بخور. بهتر شکست بخور.^۱

و بد نیست از فلسفه هم نمونه‌ای داشته باشیم:

کلمات ما را وا می‌گذارند.

(Wittgenstein, Investigations)

فورلانی اعلام کرده است که بکت یکی از کتاب‌های ویتگنشتاین، یعنی اشارات فلسفی، را به زبان آلمانی در قفسه کتابش داشته و به بخشی از این اثر نیز بسیار علاقه‌مند بوده است:

یکی از گمراه‌کننده‌ترین شیوه‌های بازنمود در زبان ما استفاده از کلمه «من» است، به خصوص وقتی که این «من» بازنماینده تجربه بلافصل باشد.^۲

اما اگر کلمات ما را وا می‌گذارند و از جایی به بعد دیگر به کارمان نمی‌آیند پس بکت برای چه می‌نویسد؟ این مسئله وقتی بغرنج‌تر می‌شود که بخواهیم، سردستی و نه‌چندان با دقت، آثار بکت را به دو گروه تقسیم کنیم: گروه اول آثاری که در عین عجیب بودن درک‌پذیر و مانوس‌ترند و آثار گروه دوم که به نظر بسیار انتزاعی، بدون پیرنگ و خالی از دغدغه‌های شیوه‌های آشنای رمان‌نویسی‌اند. گروه اول آثاری‌اند مثل همین «عشق اول»، «مرفی»، تا حدی «وات»، و برای مثال، داستان‌هایی مثل «فرض»، «یک روز غروب» و غیره؛ و گروه دوم مثل «سه‌گانه»، «تته‌پته‌ها»، «آن‌طور که هست» و غیره. اگر کلمات بکت و شخصیت‌هایش

را یاری نمی‌کنند و مدام دست آن‌ها را در پوست گردو می‌گذارند، چیرا بکت این همه تأکید و اصرار دارد: «دیگر نمی‌توانم ادامه بدهم، ادامه می‌دهم.» چرا می‌نویسد: «باران می‌بارید، باران نمی‌بارید.» بسیار خوب، این جمله آخر را می‌گذاریم به حساب عدم قطعیت در زبان یا معنا یا هر چه که هست. اما دیگر چرا ادامه دادن؟ چرا اجبار به ادامه دادن، آن هم با آن شرایط زار جسمانی و وضع جسمانی و وضع روحی نزار شخصیت‌های بکتی؟

اما حالا که صحبت از عدم قطعیت و نوسان بر سر مرز بیان و عدم بیان است، بد نیست برای روشن کردن هر چه بیش‌تر پیش‌زمینه بحث به موردی دیگر نیز اشاره کنیم؛ موردی که شاید تا به حال چندان به آن اشاره نشده است.

آندره برنولد^۱ در دوستی بکت^۲ می‌گوید که از اوایل تا اواسط دهه هشتاد در مورد آثار و آرای ژاک دریدا با بکت به تفصیل و به کرات بحث می‌کرده است. این یعنی با مفاهیمی چون لوگوس‌ترسیم و آوامحوری و دفرانس و مهم‌تر از همه، بی‌ثباتی پیوند دال با مدلول به خوبی آشنا بوده است. و صدالبته دریدا فقط یکی از متفکرانی است که بکت با نظرها و رویکردهایشان آشنایی داشته است. روی دیگر این سکه جالب‌تر است. آن‌طور که در کتاب بکت، دریدا و رخداد ادبیات^۳، آمده است ژاک دریدا در مصاحبه‌ای از احساسش نسبت به بکت گفته است؛ پاسخ دریدا به مصاحبه‌گر حاکی از نوعی بلا تکلیفی یا بیان‌ناپذیری احساسش نسبت به بکت است:

درک آتریچ: اجازه بدین بریم سراغ مؤلف‌ها و متن‌های خاص. شما در مصاحبه‌ای گفتین ساموئل بکت یکی از نویسندگانهایی

1. Andre Bernold

2. *L'amitié de Beckett*

3. *Beckett, Derrida and the Event of Literature*

1. Worstword Hoe

2. Beckett after wittgenstein, Andrew Furlaw, Northwestern university press, Evanston, Illinois, 2015, p. 43.